

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاشد تن من مباد  
بدین بوم ویر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

نعمت الله مختارزاده  
شهر اسن آلمان  
۸ نوامبر ۲۰۰۸

## شاخه گلاب

(مهریه) عزیز، چه خوبی و باتمیز  
وز بهر چه همیشه بگویی مرا عزیز  
من تلخ و تند و ترشم و تو، قند و چون عسل  
شیرینتری زشهد و شکر، از شراب نیز  
من چون زخ بلوظم و تو، شاخه گلاب  
از رنگ و بوی و خوی تو هر خانه عطر خیز  
من زورق شکسته و تو ناخدای وصل  
از لطف تست، ساحل امید، مشک بیز  
پرتو فشان تو شمعی و من، سوزم و گداز  
بالشکر و سپاه فراق تو، در ستیز  
من مرغی شکسته پر و بال روزگار  
همچون همای قله قافی تو، تند و تیز  
زنگیده شیشه دل من و، تو صیقل و جلا  
آینه مقدس تدبیر رستخیز  
در امتحان عشق، اگر ممتحن شوم  
صدها هزار، نمره بگیری زمن جهیز  
من سایه فنایم و تو، قامت رسا  
من سوی تو دوامم و از من تو در گریز  
نمرودیان، گر آتش تفریق کرده بل  
پروا مکن، (خلیل) دهد پاسخ و جیز

باور اگر نداری به شهکار (داوری)  
« نعمت » همی ثبوت نماید به روی. میز  
پس بعد ازین ، عزیز مخوان ، ناعزیز را  
از ساغر تمیز وفا ، باده ای بریز